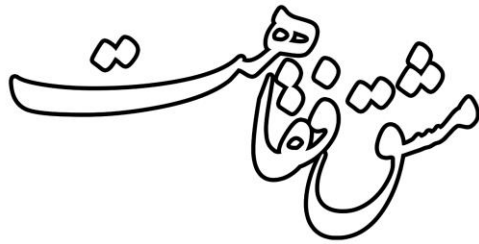


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامہ علمی — تخصصی

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمہ اطہار علیہ السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجمان: مجتبی شیخی (انگلیسی) / میثم حسینی (عربی)

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمہ اطہار علیہ السلام، دفتر دوفصلنامہ مشق فقاهت

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ ریال





The Quiddity of Propagation of Indecency in Light of Jurisprudential and Exegetical Sources

Ali Ghafarian Marāgha¹

Abstract

On the basis of verse 19 of Sūrat al-Nūr and other evidences, the ruling of prohibition has been established for the propagation of indecency. Given the diversity of scholarly opinions regarding the intended meaning of the propagation of indecency, it is essential to examine this expression so that not only the Qur'ānic verse may be properly understood, but also the legal rulings and regulations pertaining to its applications can be accurately determined.

In the first stage, the lexical meanings of indecency and Propagation are analyzed. In the second stage, the interpretations of scholars-including both exegetes and jurists-regarding the terms *fāḥisha* and *faḥshā'*, which are presented in five distinct views, are examined. Subsequently, the scholarly understandings of the phrase the propagation of indecency in verse 19 of Sūrat al-Nūr-which forms the foundation of the concept of the propagation of indecency-are studied within two major interpretive perspectives.

The findings suggest that indecency denotes a “deed” or “speech” of extreme obscenity, consistent with the explanations of the lexicographers. Furthermore, construing the phrase *an propagation* as meaning “to disclose” or “to make manifest” appears to be more cogent and well-founded.

Keywords: Verse 19 of Sūrat al-Nūr, jurists, exegetes, propagation of indecency (*ishā'at al-faḥshā'*), indecency (*faḥshā'*).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

1. Level-Four Research Student in Islamic Jurisprudence of Governance (Fiqh al-Hukūmah), A'emmah Athār Educational and Research Complex, Qom Seminary, agh1369@gmail.com



دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

ماهیت اشاعه فحشا با نگاه به آثار فقهی و تفسیری

علی غفاریان مراغه‌ای^۱

چکیده

با استناد به آیه شریفه ۱۹ سوره مبارکه نور و دلایل دیگر، حکم به حرمت «اشاعه فحشا» صادر شده است. با توجه به دیدگاه‌های گوناگون در خصوص مراد از «اشاعه فحشا»، بررسی این اصطلاح ضرورت می‌یابد تا افزون بر فهم صحیح معنای آیه شریفه، احکام و قوانین مترتب بر مصادیق آن نیز به درستی تطبیق داده شود. در مرحله نخست، مفهوم «فحشا» و «اشاعه» نزد لغویان بررسی می‌شود؛ در مرحله دوم، برداشت علما - اعم از مفسران و فقها - از واژگان «فاحشه» و «فحشا» که در قالب پنج دیدگاه ارائه شده است، تحلیل می‌گردد؛ و در مرحله بعد، استظهار علما از عبارت «أَنْ تُشِيعَ الْفَاحِشَةُ» در آیه شریفه ۱۹ سوره مبارکه نور - که ریشه اصطلاح «اشاعه فحشا» به‌شمار می‌رود - در قالب دو دیدگاه عمده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد مفهوم «فحشا»، «فعل» یا «گفتاری بسیار زشت» باشد؛ همان معنایی که در آثار لغویان مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین، استظهار معنای «افشا» و «اظهار» از تعبیر «أَنْ تُشِيعَ»، قوت و وجاهت بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: آیه ۱۹ سوره نور، فقها، مفسران، اشاعه فحشا، فحشا.

^۱ دانش‌پژوه سطح چهار رشته فقه الحکومه، مجتمع آموزشی و پژوهشی انمّه اطهار (عکلا)، حوزه علمیه قم.

مقدمه

حرمت «اشاعه فحشا» با استناد به آیه شریفه ۱۹ سوره مبارکه نور و برخی ادله دیگر استفاده می‌شود؛ اما برداشت فقها و مفسران از عنوان «اشاعه فحشا» - که ریشه در همین آیه شریفه دارد - برداشت یکسانی نیست و این اختلاف، موجب تفاوت در تطبیق مصادیق «اشاعه فحشا» خواهد بود. از این رو، لازم است این اصطلاحات مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا افزون بر فهم صحیح آیه شریفه، برای وضع قوانین لازم در جهت مقابله با فساد، فحشا و منکرات، شناخت دقیقی از این عنوان به مراجع قانون‌گذاری ارائه شود.

با این بیان، انجام پژوهشی که روشنگر گستره عنوان «اشاعه فحشا» باشد، ضروری به نظر می‌رسد. البته در این زمینه، پژوهش‌های مفیدی نیز صورت گرفته است، اما این تحقیقات، نگاهی تفصیلی به این مبحث نداشته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. پایان‌نامه «اشاعه فحشا در جامعه؛ ریشه‌ها، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن

در قرآن و حدیث» نوشته علیرضا اسلامی قرائتی؛

۲. مقاله «واکاوی آیه اشاعه فحشا و شمول آن نسبت به مسائل نوپدید» نوشته

زهره طاهری‌پور؛

۳. مقاله «نشر خبر فحشا» نوشته سیدعبدالحسین آل‌یاسین.

ویژگی این پژوهش نسبت به تحقیقات پیشین عبارت است از:

۱. دسته‌بندی دیدگاه‌ها درباره معنای مراد از «فحشا» و «اشاعه فحشا»؛

۲. گردآوری قائلان هر یک از این دیدگاه‌ها به عنوان پیشینه بحث؛

۳. بیان تعلیل مطرح‌شده برای پذیرش هر یک از دیدگاه‌ها.

در این نوشته، علاوه بر نظر لغویان و مفسران، به میزان قابل توجهی از اقوال فقها نیز بهره گرفته شده است. اصطلاحات «فحشا» و «اشاعه فحشا» در کلمات فقها و مفسران به کار رفته‌اند و از آن‌جا که ریشه استعمالی این دو اصطلاح به آیات قرآن کریم بازمی‌گردد، برای شناخت بهتر آن‌ها، لازم است افزون بر رجوع به دیدگاه‌های



لغویان، برداشت فقها و مفسران از این دو اصطلاح که در ذیل آیات قرآنی مطرح شده است، مورد بررسی قرار گیرد.

«فحشا» در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است، اما «اشاعه فحشا» تنها در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱ مورد تصریح قرار گرفته است.

بر این اساس، نویسنده تلاش دارد پس از بررسی لغوی دو اصطلاح «فحشا» و «اشاعه فحشا»، دیدگاه‌های مختلف در رابطه با معنای «فحشا» نزد فقها و مفسران و نیز استظهارات متنوع ایشان از آیه شریفه (ان تشیع الفاحشه) در خصوص اصطلاح «اشاعه فحشا» را بررسی کند و در پایان، نظر نهایی را جمع‌بندی نماید.

۱. مفهوم لغوی اشاعه و فحشا

پیش از ورود به تبیین حکم مسئله و ادله آن، شایسته است حدود و دایره موضوع آن تنقیح گردد. تنقیح این امر، متوقف بر تبیین مفاهیم مذکور در عنوان مسئله است.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱-۱. مفهوم لغوی اشاعه

این کلمه از ریشه «شیع» است. فراهیدی معنای متفاوتی برای این کلمه در باب ثلاثی مجرد و باب ثلاثی مزید بیان کرده است؛ به گونه‌ای که در باب ثلاثی مجرد، مفهوم «ظاهر شدن» و در باب ثلاثی مزید، مفاد «اذاعه» را افاده می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۰). اما معنای آن در هر دو باب، نزد جوهری، ابن‌اثیر و قیومی یکی بوده و مفادی همانند «ظَهَرَ» و «ذَاعَ» را در بر دارد (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۲۴۰؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۱؛ قیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۹). نویسنده الْمُحِيط نیز مفاد «انتشر» را به «ظَهَرَ» افزوده است (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۹).

به گفته ابن‌فارس، ریشه «اشاعه» دو معنا را افاده می‌کند: «همکاری و همیاری» و «پخش و گسترده‌گی» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۳۵). راغب اصفهانی نیز تقویت و زیاد شدن را به معانی ذکرشده از ابن‌فارس افزوده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰).

۱. «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید»؛ (نور، ۱۹).

با توجه به اینکه «تقویت» و «زیاد شدن»، از نتایج انتشار به شمار می‌آیند، می‌توان گفت معنای اصلی «اشاعه»، همان «انتشار» است.

۲-۱. مفهوم لغوی فحشا

معنای «فحشا» همان معنای «فاحشه» بوده و هردو با «فواحش» جمع بسته می‌شوند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۴۷). کلمه «فاحشه» به هر چیز مخالف حق معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۶) و هر چیز متجاوز از حد نیز «فاحش» دانسته شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۷۸).

در نزد ابن فارس، ماده «فحش»، افاده‌گر معنای «قبح» و «شناعت» در یک چیز است (همان). راغب اصفهانی نیز معنای ماده «فحش» و واژه‌های «فحشا» و «فاحشه» را (رفتارها و گفتارهای بسیار زشت و ناپسند) دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰). نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که این سه واژه در روایات فراوانی به کار رفته‌اند و مراد از آنها، گناهان بسیار زشت است (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۱).

نتیجه بررسی کتاب‌های لغوی درباره این واژه، آن است که «فحشا» و مترادفات آن به «رفتار» یا «سخنی» اطلاق می‌شود که از درجه بالایی از زشتی و قباحیت برخوردار باشد.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. مفهوم اصطلاحی فحشا

در بخش اول، از مفهوم لغوی این واژه سخن گفته شد. اکنون به معنای اصطلاحی آن پرداخته می‌شود. همچنان که اشاره شد، خود کلمه «فحشا» با کلمه «فاحشه» معنای مشترکی دارند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۴۷). دیدگاه‌های موجود نزد علمای فریقین در بیان معنای مراد از این واژه را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۲-۱. دیدگاه اول: رفتارهای زشت

شیخ طوسی، مراد از «فاحشه» را رفتارهای زشت دانسته است (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۷،

ص ۴۱۹). از متأخران نیز محقق مامقانی این معنا را بعید ندانسته است (مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰۹). همچنین از معاصران، آیت الله گلپایگانی در ذیل بحث از آیه شریفه ۱۵ سورة مبارکه نساء، «فاحشه» را به رفتار زشت معنا کرده است؛ البته با این توضیح که اگر در آیه شریفه، عموم اراده شده باشد، به معنای «جميع زشتی‌ها» و اگر مناسبت حکم و موضوع لحاظ گردد، به «زنا» اختصاص خواهد یافت (گلپایگانی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۸۴). محقق اردبیلی نیز «فواحش» را به هر آنچه - از رفتار و گفتار - که زشتی بیشتری داشته باشد، معنا کرده است (محقق اردبیلی، بی تا، ص ۷۳) و در جایی که از آن به افراط در پیروی قوه شهوانیه - مانند زنا - تعبیر کرده است، در تعلیل آن می فرماید: «زیرا این کار، قبیح، بلکه زشت‌ترین و پست‌ترین حالات انسان است» (همان، ص ۳۲۲). مختار جناب فیض کاشانی و محقق استرآبادی نیز همین معناست (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۲۶؛ استرآبادی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۶۸).

علامه طباطبایی «فاحشه» را به «امر شنیع مستقبح» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۷۵)، «طریقه شنیعه‌ای که به کثرت در زنا استعمال شده» (همان، ج ۴، ص ۲۵۵) و «خصلتی بالغه در شناعة» (همان، ج ۱۵، ص ۳۷۶) معنا کرده و می فرماید: «در کلام الهی، زنا، لواط و قذف محصنات از موارد فاحشه شمرده شده است» (همان، ج ۷، ص ۳۷۵). ایشان در موضعی دیگر از تفسیر المیزان می نویسد: «فاحشه، عبارت است از هر عمل زشتی که جامعه آن را قبیح می داند؛ چون تجاوز از حدود و اخلال به مصالح عامه است و نمی گذارد جامعه به تحصیل حوائج ضروری زندگی خود قیام نماید» (همان، ج ۴، ص ۳۰۸).

البته از این عبارت علامه روشن می شود که مراد ایشان از فاحشه، مطلق رفتارهای زشت نیست، بلکه رفتاری زشت است که دارای شروطی باشد؛ یعنی: تجاوز از حدود، اخلال به مصالح عامه جامعه، و قبیح دانستن آن از سوی جامعه. محقق خوئی، پس از بیان معنای مراد از «فاحشه» در آیه شریفه ۱۵ سورة مبارکه نساء به هر چیزی که قبح آن زیاد و فاحش باشد، می فرماید: «لفظ فاحشه نه وضعاً و نه انصرافاً، ظهوری در خصوص زنا ندارد» (خوئی، بی تا، ص ۳۰۹). وی «فاحشه» را به زنا، مساحقه و لواط تطبیق کرده است.



از علمای اهل سنت، قرطبی، صابونی، ابن عاشور و زحیلی، فاحشه را به رفتار خیلی زشت تفسیر کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۲، ص ۲۰۶؛ صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۰۱؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۴۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۱۸۹ و ص ۱۷۰). همچنین، نیشابوری و حقی، تفسیر آن به رفتار یا سخنی که عرفاً و عقلاً زشتی بیشتری داشته باشد را اختیار کرده‌اند. آلوسی و طنطاوی نیز مراد از آن را خصلت و صفتی بسیار قبیح، مانند بهتان زدن و رمی به زنا دانسته‌اند (نظام‌الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۷۰؛ حقی، بی تا، ج ۶، ص ۱۳۰ و ص ۱۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۱۸؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۰).

۲-۲. دیدگاه دوّم: گناهان خیلی زشت

استظهار برخی از علما آن است که مراد از «فاحشه»، صرف گناه یا زشت‌ترین گناهان می‌باشد. تفاوت این دیدگاه با دیدگاه پیشین آن است که در این دیدگاه، فاحشه در محدوده گناهان - یعنی هر آنچه نهی مولوی به آن تعلّق گرفته باشد - معنا می‌شود، برخلاف دیدگاه قبلی که فاحشه را در محدوده رفتارهای زشت معنا می‌کرد؛ خواه نهی مولوی به آن تعلّق گرفته باشد یا صرفاً در نزد عرف جامعه قبیح شمرده شود.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

چنان‌که علامه مجلسی در مرآة العقول، فاحشه را به هر چیزی که خدای سبحان از آن نهی کرده، معنا کرده و می‌فرماید: «چه بسا به گناهانی که زشتی بیشتری دارند، اختصاص داشته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۴۰۴).

نویسنده کتاب الفرقان فی تفسیر القرآن نیز مقصود از فاحشه را گناهی تجاوزکارانه معنا کرده است؛ خواه این تجاوز نسبت به خود شخص باشد یا در ارتباط با دیگران که ممکن است فردی باشد (مانند انحرافات جنسی) یا جمعی (مانند گناهانی که به صورت آشکارا انجام می‌شود) (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۸۹).

همچنین حسینی شیرازی، فاحشه را از فحش، به معنای تعدی دانسته و تصریح کرده است: «معصیت کبیره را فاحشه نامیده‌اند؛ چراکه در بسیاری از موارد، از حدّ مقرر خود تجاوز می‌کند» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۶۸۹).

لنگرودی نیز، فواحش را جمع فاحشه و به معنای زشت‌ترین گناهان معنا کرده است (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۸).

۲-۳. دیدگاه سوّم: اختصاص به زنا و مشابه آن

علامه مجلسی در بحارالأنوار، «فحشا» را زیاده‌روی در پیروی از قوای جنسی، همچون زنا، معنا می‌کند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۶، ص ۲۵۰). سیدمحمد صدر نیز آن را به عمل جنسی محرم معنا کرده و می‌گوید: «مساوی است که از شذوذ جنسی باشد یا غیر آن؛ البته به شرط آنکه میان دو نفر واقع شود». وی در ادامه می‌افزاید: «بر اساس تعریفی که از فحشا ارائه شد، تطبیقات آن عبارت‌اند از: زنا، لواط و مساحقه» (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۷۹-۲۸۰).

از میان علمای اهل سنت، طبری، بغوی و مراغی «فاحشه» را به زنا تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۸۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۹۵؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۸۷).

۲-۴. دیدگاه چهارم و پنجم: جمع بین دو معنا

برخی از علما، جمع میان دو معنا را در مراد از «فاحشه» اختیار کرده‌اند؛ طبرسی در مجمع‌البیان، فاحشه را شامل «زنا و زشتی‌ها» می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۰۸) و سیدمرتضی در انتصار و علامه مجلسی در مرآة العقول، آن را «گناهان و زشتی‌ها» معنا کرده‌اند (سیدمرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۹۷).

اکنون، با توجه به اینکه حقیقت شرعی خاصی برای این واژه ثابت نیست، حمل آن بر معنای لغوی موجه خواهد بود. پیش‌تر بیان شد که از بررسی اقوال لغویون چنین به‌دست می‌آید که «فاحشه» به معنای رفتار یا گفتار بسیار زشت است. این تقریر، مؤید دیدگاه اول از دیدگاه‌های پنج‌گانه فوق است و حتی می‌توان گفت دیدگاه‌های بعدی نیز در راستای همین معنا بوده و از تطبیقات آن به‌شمار می‌آیند.

البته یادآوری این نکته نیز خالی از فایده نیست که قرائن موجود از جمله قرینه سیاق و سایر قرائن لفظی و مقامی در فهم مراد واقعی از آیه، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و باید مورد توجه قرار گیرند.



اکنون به دو روایتی اشاره می‌شود که این آیه شریفه در آن‌ها مورد تطبیق قرار گرفته است:

روایت محمد بن فضیل

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ به سخن محمد بن فضیل - که گفت: «قربانت گردم، گاهی از برادران دینی ما سخنی به گوشم می‌رسد که ناراحت می‌شوم و چون از خودش می‌پرسم، انکار می‌کند؛ با اینکه مردمان موثق و مورد اعتمادی آن را از قول او برای من نقل کرده‌اند» - پس از توصیه به تکذیب قسم دیگران و تصدیق آن شخص، فرمودند: «لا تذیعن علیه شیئا تشینه به و تهدم به مروءه فتکون من الذین قال الله فی کتابه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ مبادا چیزی را بر زیان او افشا کنی که موجب عیب و زشتی او گردد و آبرویش را ببرد و در نتیجه از زمره کسانی شوی که خداوند در قرآن فرمود: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۷).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

در این روایت، از اشاعه هر چیزی که موجب زشت‌نمایی و بردن آبروی مؤمن شود، نهی شده است. بنابراین، این روایت ضمن ردّ قول سوّم - یعنی دیدگاه قائل به انحصار «فاحشه» در گناهان جنسی - با سایر دیدگاه‌ها قابل تطبیق است. و از آنجا که روایت با چند معنا سازگار است، نمی‌توان آن را به‌عنوان شاهی مستقل برای تعیین معنای اصطلاحی «فحشا» مورد استناد قرار داد، بلکه باید آن را در چارچوب تبیین تطبیقی دیدگاه‌های مختلف مورد استفاده قرار داد.

روایت ابن ابی عمیر

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرکس درباره مؤمنی، آنچه دو چشمش دیده و دو گوشش شنیده را بازگو کند، پس او از کسانی است که خدای عزّوجلّ درباره آنان فرموده است: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷).

این روایت نیز همانند روایت پیشین، قابلیت استناد به عنوان قرینه‌ای مستقل برای تعیین معنای «فحشا» را ندارد؛ چراکه با چند معنا از معانی ذکر شده برای این واژه قابل تطبیق است. بنابراین، نمی‌توان آن را به طور ویژه مؤید هیچ‌یک از دیدگاه‌های مطرح در معنای اصطلاحی فحشا دانست، بلکه باید آن را در تحلیل تطبیقی این دیدگاه‌ها در نظر گرفت.

۳. مراد از اشاعه فحشا

پیرامون مراد از «اشاعه فاحشه» که عمدتاً به جهت استعمال در آیه شریفه ۱۹ از سوره مبارکه «نور» منشأ بحث و استدلال قرار گرفته است، به صورت عمده دو دیدگاه مطرح است:

۳-۱. دیدگاه اول: کثرت وجودی فحشا

عده قابل توجهی از فقها و مفسران، مراد از این عبارت را کثرت وجودی و به عبارت دیگر، کثرت ارتکاب فحشا و محرمات دانسته‌اند.

به نظر شیخ انصاری، مراد از این آیه شریفه انجام هر فعلی است که موجب شیاع فاحشه می‌گردد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۶). پس از ایشان نیز شارحان مکاسب، با بیان تعلیل، همین معنا را تقویت کرده‌اند.

میرزای شیرازی در حاشیه بر مکاسب می‌نویسد: «ظاهر آیه کریمه، محبت شیاع نفس فاحشه، یعنی کثرت آن بین مؤمنین است، نه شیاع خبر فاحشه» (میرزای شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۰۴).

محقق مامقانی می‌گوید: «احتمال می‌رود مراد از فاحشه، افعال شنیعه باشد؛ پس در این صورت، سیاق آیه شریفه، ذمّ کسانی از کفار است که دوست‌دار گسترش افعال قبیحه و رواج آن بین مؤمنان می‌باشند تا به این سبب، دین اسلام از درجه عزّت و رفعت پایین آید و در نتیجه ملل دیگر به آن گرایش نداشته باشند» (مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰۹).

محقق ایروانی در حاشیه بر مکاسب معتقد است ظاهر آیه شریفه برگشت دارد به حب شیوع خود فاحشه بین مؤمنان و ارتکاب منکرات توسط آنان، نه شیوع علم



به فاحشه با اعلام آن به مردم. دلیل این استظهار را نسبت شیوع به خود فاحشه و همچنین ظهور تعلق ظرف مذکور در آیه شریفه به فعل «تشیع» می‌داند (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۲).

آیت‌الله تبریزی در ارشاد الطالب می‌گوید: «نسبت شیاع به چیزی که قابل کثرت و تکرار است، ظهور در کثرت وجودی آن شیء دارد، نه بیان و اظهار آن شیء. پس ظاهر آیه مبارکه حرمت دعوت و برانگیختن مؤمنان به فواحش، در مقابل نهی آنها از منکرات است» (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۷).

ظاهر سخن علامه طباطبایی در المیزان این است که اگر آیه شریفه از جمله آیات افک، متصل به آیات قبل باشد که مورد آن رمی به زنا بدون آوردن بیّنه است، مضمون آن تهدید نسبت‌دهندگان زنا خواهد بود؛ چرا که افک از موارد فاحشه است و اشاعه آن در میان مردم به جهت محبت شیوع و گسترش فواحش در جامعه بوده است. البته ایشان در ادامه و در ضمن کلام خود، اراده قذف تنها از «فاحشه» و کنایه بودن «حب شیوع» از شیوع سخن از فحشا به سبب گفت‌وگو و زبان‌به‌زبان گشتن را ناسازگار با سیاق آیه شریفه دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۹۳).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

از اشکالات محقق خویی به استدلال بر این آیه شریفه برای حرمت غیبت نیز چنین استفاده می‌شود که ایشان «اشاعه فاحشه» را به معنای گسترش و ترویج محرمات اختیار کرده است؛ با این بیان که آیه شریفه بر حب گسترش فاحشه (محرمات) دلالت دارد، در حالی که غیبت، اخبار از فاحشه و عیب مستور است و این دو با هم متباین هستند؛ مگر آنکه اخبار از عیوب مستوره خودش از فواحش باشد (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۹).

آیت‌الله سیدصادق روحانی می‌گوید: «آیه ظاهر در این است که حب شیوع فاحشه بین مردم به سبب ارتکاب محرمات توسط آنها، از محرمات است» (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۳۴۰).

آیت‌الله یزدی نیز در فقه القرآن می‌نویسد: «آیه دلالت دارد بر اینکه نه تنها خود فحشا، حرام و مبغوض است، بلکه شیوع و کثرت آن بین مردم از آن مبغوض‌تر است. اجمالاً محرماتی وجود دارد که باید آنها و هر چیزی — از سخن و کتابت و

تصویر - که موجب اشاعه آنها می شود را ترک کرد. پس پرده پوشی بر گناه لازم است، نه اینکه همه آثار و شعائر آن آشکار شود، همچنان که در سرزمین های کفار چنین است» (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۵۸). همچنین از علمای اهل سنت، صابونی «إن تشیع الفاحشة» را انتشار فعل معنا می کند (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۰۱).

ظاهراً استظهار عرفی در این دیدگاه متأثر از دو نکته است:

۱. نسبت شیاع به چیزی که قابل کثرت و تکرار است، ظهور در کثرت وجودی آن شیء دارد، نه بیان و اظهار آن شیء؛
۲. همچنین ظهور تعلق ظرف مذکور در آیه شریفه به فعل «تشیع»، دلالت بر شیوع خود فاحشه بین مؤمنان و ارتکاب منکرات توسط آنان می باشد.

۳-۲. دیدگاه دوّم: اظهار و افشای فحشا

عده ای از علما معنای «اشاعه فحشا» را اظهار و افشای فحشا دانسته اند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۰۸؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۲۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۶۸۹).



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

همچنین امام خمینی مراد از «إن تشیع الفاحشة» را همین معنا دانسته است. به اعتقاد ایشان، مفاد آیه شریفه جز افشای فاحشه که همان ظهور عرفی از «یحبّ أن تشیع الفاحشة فی فلان أو فی الذین آمنوا» است، نمی باشد (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۰۵). البته احتمال اینکه مراد از اشاعه فاحشه، شیوع نفس فاحشه و معصیت بین مسلمانان باشد، با توجه به ظاهر لفظ و سیاق آیه شریفه بعید است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۳). ایشان در بحث از حرمت غیبت نیز، بعد از پذیرفتن صحّت سند مرسله ابن ابی عمیر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷) و دلالت آن بر شمول غیبت، می فرماید: «این روایت دلالت دارد بر اینکه مراد از آیه شریفه، مجرد حبّ و شیاع به معنای معروف آن نیست؛ بلکه مراد از آن مطلق اظهار و کشف ستر است» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴).

آیت الله سید محمد صدر در رابطه با آیه شریفه می فرماید: «مفهوم عرفی از شیاع فاحشه، شیاع ذکر آن و اتّهام مردم به آن است، نه اصل وجود فاحشه. هرچند که

حرمت شیاع وجود فاحشه در نزد خدا بزرگ‌تر از شیاع خبر فاحشه است» (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۸۷).

برخی از مفسران اهل سنت نیز مراد از اشاعه فحشا را همین معنا دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۸۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۸۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۲۰۶؛ نظام الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۷۰؛ خطیب، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۴۸).

استدلال این دیدگاه را می‌توان ظهور عرفی و توجه به سیاق آیه شریفه دانست. آلوسی، طنطاوی، ابن عاشور و زحیلی نیز مقصود از «محبت شیوع فاحشه» را محبت شیوع خبر فاحشه بین عموم مردم دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۱۸؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۰؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۴۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۱۸۲). ابن عاشور در تعلیل این استظهار می‌گوید: «چرا که "شیوع" مثل "فشو" که اشتها سخن گفتن از فاحشه است، از صفات اخبار و احادیث می‌باشد. پس تقدیر مضاف تعیین پیدا می‌کند؛ یعنی "آن شیوع خبرها"» (ابن عاشور، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۴۸). عمده استدلال برای این دیدگاه، فهم عرفی و از صفات اخبار و سخن بودن شیوع می‌باشد.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

در مجموع، دو دیدگاه مهم در اینجا مورد بحث خواهد بود و اختیار هر یک از این دو دیدگاه‌ها، بستگی به ظهوری دارد که با توجه به عوامل مطرح شده ذیل هر دیدگاه، استظهار می‌گردد.

برای این منظور، توجه به روایات معلّل به این آیه شریفه، یعنی روایت محمد بن فضیل و روایت ابن ابی عمیر، که در فهم معنای اصطلاحی فحشا به آنها اشاره شد و ظهور در اراده معنای اظهار و افشای فحشا دارد، مفید خواهد بود.

در روایت محمد بن فضیل، ظهور «لا تذیعن» در اظهار و افشای فاحشه است، نه کثرت وجودی فاحشه. در روایت ابن ابی عمیر نیز به اعتقاد امام خمینی، «شیاع» به معنای معروف آن نیست؛ بلکه مراد از آن مطلق اظهار و کشف ستر است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴).

البته این احتمال نیز وجود دارد که این روایت با قول به اراده کثرت وجودی فحشا نیز منافاتی نداشته باشد؛ از این جهت که سخن گفتن از فحشا به عنوان فعلی از افعال انسان نباید گسترش یابد.

نتیجه گیری

مباحث مطرح شده را می توان در قالب دو مطلب جمع بندی کرد:

۱. در رابطه با حقیقت فحشا، چند دیدگاه بین فقها و مفسران مطرح است:

۱- رفتارهای زشت،

۲- گناهان خیلی زشت،

۳- اختصاص به زنا و مشابه آن،

۴- اختیار دو معنا از معانی گفته شده.

با توجه به اینکه حقیقت شرعی خاصی برای این واژه ثابت نیست، از این رو به معنای لغوی حمل می شود. قبلاً نیز گفته شد که از بررسی سخن لغوی ها می توان چنین استفاده کرد که فاحشه به معنای رفتار یا گفتار خیلی زشت می باشد. این تقریب مؤید دیدگاه اول از دیدگاه های گوناگونی است که در بالا بیان گردید و حتی می توان گفت دیدگاه های دیگر نیز در راستای همین معنا و از تطبیقات آن می باشد. البته تذکر به این نکته نیز خالی از لطف نیست که قرائن موجود مثل قرینه سیاق و غیر آن در فهم مراد نقش مهمی دارد که باید لحاظ گردد.



سال دوم | شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

۲. در رابطه با مراد از اشاعه فحشا نیز دو دیدگاه عمده میان فقها و مفسران

وجود دارد:

۱- اظهار و افشای فحشا،

۲- کثرت وجودی فحشا.

اختیار هر یک از این دو دیدگاه، بستگی دارد به ظهوری که با توجه به عوامل مطرح شده در ذیل هر دیدگاه، استظهار می گردد. البته ظهور روایت محمد بن فضیل و روایت ابن ابی عمیر، مؤید قول دوم، یعنی اراده معنای اظهار و افشای فحشا از آیه شریفه می باشد. در نتیجه استظهار معنای افشا و اظهار، از «ان تشیع» قوت بیشتری دارد. البته مضمون روایت ابن ابی عمیر با اراده کثرت وجودی فحشا منافاتی ندارد؛ چراکه سخن گفتن از فحشا به عنوان فعلی از افعال انسان نیز نباید گسترش یابد.

با توجه به بررسی متون فقهی، تفسیری و روایی، می توان گفت واژه «فحشا» در آیه شریفه از سوره نور دارای معانی متعددی است که بیشتر در چارچوب رفتارها یا

گفتارهای زشت و قبیح قابل فهم است و به طور مشخص محدود به نوعی گناه خاص نیست. فهم دقیق مراد آیه مستلزم توجه به قرائن سیاق و روایات معتبری است که با تحلیل آنها، معنای «اشاعه فحشا» بیش از هر چیز به «اظهار و افشای گناهان و زشتی‌ها» تفسیر می‌شود؛ امری که موجب گسترش فساد اجتماعی و آسیب به حیثیت افراد می‌گردد. هرچند که نمی‌توان معنای کثرت وجودی فحشا را کاملاً نفی کرد، اما قوت استدلال‌ها بر این است که مراد اصلی آیه، جلوگیری از انتشار و افشای علنی گناهان و فواحش است، چرا که حتی خبر دادن از آنها نیز نوعی اشاعه است و می‌تواند زمینه‌ساز افزایش فساد باشد.

این فهم دقیق و همه‌جانبه، خلأهای پیشین را در تبیین واژگان کلیدی آیه پر می‌کند و مبنایی مستحکم برای تفسیر صحیح و کاربردی آیات مرتبط با اخلاق و رفتار اجتماعی فراهم می‌سازد.



منابع

- قرآن کریم
۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، تحقیق: محمد زررور عدنان، قم، دار البیدار للنشر، ۱۳۶۹ ق.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ، بی تا.
۵. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: محمد هارون عبدالسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: احمد فارس، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع و دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران، المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، بی تا.
۸. استرآبادی، محمد بن علی، آیات الأحكام فی تفسیر كلام الملك العلام، تحقیق: محمدباقر شریف زاده، تهران، مكتبة المعراجی، ۱۳۹۴ ق.
۹. انصاری، مرتضی، كتاب المكاسب، محشّی: سید محمد کلانتر، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالكتاب، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. ایروانی، علی بن عبدالحسین، حاشیه المكاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. تبریزی، جواد، إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابو محمد ابن عاشور، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح و تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد عبدالغفور، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. حائری تهرانی، میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۷ ش.



۱۶. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن إلى الأذهان، بيروت، دار العلوم، ۱۴۲۴ ق.
۱۷. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، بی نا، بی تا.
۱۸. خطیب، عبد الکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دار الفکر العربی، بی تا.
۱۹. خمینی، سید روح الله موسوی، المکاسب المحرمة، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، بی تا.
۲۱. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، مقرر: محمد علی توحیدی، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. روحانی، سید صادق حسینی، فقه الصادق علیه السلام، قم، دار الكتاب و مدرسة الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. سید مرتضی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الإمامية، تحقیق: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. شهیدی تبریزی، میرزا فتح، هداية الطالب إلى أسرار المكاسب، تبریز، چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ ق.
۲۷. صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، تفسیر للقرآن الکریم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ ق.
۲۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۳۰. صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، تحقیق: محمد هادی دجیلی، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۱۴ ق.
۳۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. طبری، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طبری، ابوجعفر محمد، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.



۳۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۶. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، دار نهضة مصر للطباعة و النشر، بی تا.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۴۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، بی تا.
۴۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۴۲. قزوینی، سید علی موسوی، ینایع الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، تحقیق: سید علی علوی قزوینی و سید عبد الرحیم جزمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ ق.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۴. گلبایگانی، سید محمدرضا موسوی، کتاب الشهادات، مقرّر: سید علی حسینی میلانی، قم، بی نا، ۱۴۰۵ ق.
۴۵. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
۴۶. مامقانی، محمد حسن، غایة الآمال فی شرح کتاب مکاسب، قم، مجمع الذخائر الإسلامية، ۱۳۱۶ ق.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول علیهم السلام، تحقیق: سید هاشم رسولی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۹. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۰. مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن، الدر النضید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقليد، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۲ ق.
۵۱. میرزای شیرازی، محمد تقی، حاشیه مکاسب، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.



۵۲. نیشابوری، نظام الدین، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.

۵۳. واسطی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.

۵۴. یزدی، محمد، فقه القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

مقالات

۱. آل یاسین، سید عبدالحسین، «نشر خبر فحشا»، دوماهنامه علمی پژوهشی حدیث، شماره ۲۵، سال چهارم، ۱۳۸۷.

۲. اسدی، جعفر، «جایگاه حدیث و روایت در تفسیر قرآن»، مجله علوم قرآن و حدیث، شماره ۳۲، ۱۳۹۱.

۳. اکبری، رضا، «سیر تحول تفسیر قرآن کریم»، فصلنامه علوم اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۹۰ / ۴. احمدی، علی، «مفهوم لغوی و اصطلاحی اجتهاد»، پژوهشنامه فقه و اصول، شماره ۴۵، ۱۳۹۲.

